



نظر محمد طوفان

صنایع دستی

فهرست

الف : پیشگفتار

ب : مقدمه

فصل اول

1: نگاه بر تاریخچه صنایع دستی در افغانستان

2: سیر تاریخی صنایع دستی در افغانستان

3: رول صنایع دستی در اقتصاد افغانستان

4: انواع صنایع دستی در افغانستان

الف: صنایع ابریشم

ب : نمد

ج : شترنجی

د : گیلیم بافی

هـ : پوست قره قل

ل : صنعت نجاری و ساختمان اشیاء چوبی

ء : تاریخچه تجارت قالین

ی : تجارت صنعت قالین

فصل دوم

اهمیت اقتصادی تجارت صنایع دستی

الف : بالای بیلانس تادیات و انکشاف اقتصادی

ب : بالا استخدام

فصل سوم

عوامل عدم انکشاف صنایع دستی در افغانستان

1 : وضع تعرفه برای حمایه صنایع نو تأسیس

2 : نبودن سرمایه لازم

3 : عدم موجودیت مدیریت غیر سالم

4 : عدم موجودیت کارگران ماهر و فنی

5 : توريد امتعه مشابه خارجی

فصل چهارم

حمایه صنایع و راه انکشاف آن

الف :- اهداف حمایه وی و انکشافی

ب :- اساسات اصلاح و انکشاف آن

ج :- واریسی از امور صنعتی

د :- فراهم آوری شرایط صنعتی

هـ : تشکیلات و امور صنعتی

تولید صنعتی

وضیعت فعلی صنایع دستی

نتیجه گیری

پیشنهادات

منابع و ماخذ

صنایع دستی در تمام جهان امروز خصوصاً در ممالک روبه انکشاف منجمله افغانستان موقعیت خاص و بسامه‌می رادارا بوده و رول مهم رادرا اقتصاد ملی این کشورها بازی میکند. در ممالک پیش رفته جهان با وجود که صنایع دستی و پیاماشین به بلندترین مدارج ترقی خود رسیده با آن هم هنوز میتوان یک عده زیاد صنایع دستی را ملاحظه نمود که هزاران نفر در این سکتور مصروف فعالیت های تولیدی بوده و از این طریق امراریات مینماید.

در ممالک روبه انکشاف که کشور ما هم در صف آنها بعد از پشت سر گذشتانیدن شرایط بسیار دشوار جنگ قرار گرفته است اهمیت صنایع دستی به مراتب بیشتر از ممالک پیشرفته صنعتی بوده و یک قسمت بزرگ عواید ملی این کشور ها از همین سکتور بدست می آید. هر گاه صادرات این ممالک به دقت مورد مطالعه قرار داده شود به ملاحظه خواهد رسید که یک قسمت عمده صادرات آن را امتعه و اجناس تشکیل میداد که در سکتور صنایع دستی تولید میگردد. گرچه ورود اموال صنعتی ممالک رو به انکشاف و صنایع دستی و محلی کشور های شان صدمات شدید وارد نموده اما با آن هم اکثر این صنایع تاکنون موجودیت شان را حفظ نموده است و حتی در بعضی رشته های انکشاف قابل ملاحظه را میتوان مشاهده کرد.

در کشور ما افغانستان نظر به احصایه های ارائه شده تقریباً 120 نوع صنعت دستی وجود دارد و هزاران تن از این طریق امرار معیشت میکند و من لازم دانستم تا رساله خود را تحت عنوان اهمیت تجارت صنایع دستی در افغانستان به رشته تحریر در آورم که این کتاب شامل چهار فصل است: در فصل اول در مورد تاریخچه صنایع دستی در افغانستان بحث گردیده است و در فصل دوم اهمیت اقتصادی تجارت صنایع افغانستان، توضیح گردیده است. علل و عوامل عدم انکشاف صنایع دستی افغانستان در فصل سوم این رساله تشریح شده است و در نهایت، حمایه صنایع و راه انکشاف آن در فصل چهارم مورد شرح قرار گرفته است.

فصل اول

نگاه به تاریخچه صنایع دستی در افغانستان

افغانستان در طول سالیان متمادی و هزاران سال قبل از امروز پرورش صنایع دستی بوده که تا حال تمدن های بزرگ و قابل قدر را در آغوش پاک خود پرورده است. در افغانستان از هزاران سال پیش از تا حال صنایع انکشاف زیاد نموده بودند آثار که در اثر کشفیات باستان شناسان از (آی خانم) و بعضی نقاط دیگرکشور بدست آمده معلوم میگردد که صنایع مخصوصاً صنعت ضرب سکه و مجسمه سازی به شهرت زیاد رسیده بود و در بامیان مجسمه های که بدست آمده است ترقی و شگوفائی صنایع دستی را در مرزوبوم نمایان میسازد و در سرزمین تحت تصرف شان شهر های بزرگ اعمار گردیده و در این شهر ها ثروت های بزرگ جمع آوری شده صنعت حرفه و تجارت فوق العاده ترقی کرده و در بین این شهر ما ممالک قریب آن ارتباطات تجارتی قایم گردید.

در زمان کوشانی ها صنایع مجسمه سازی ، نقاشی ، حکاکی ، کندن کاری و سکه سازی به اوج ترقی خود رسید. در عهد غزنویان که سلطنت شان از آخر قرن دهم تا آخر یازدهم میلادی دوام کرد صنایع دستی به بلند ترین مخارج پیشرفت و انکشاف خود رسیده بود خصوصاً در عهد امپراتوری سلطان محمود غزنوی به افغانستان مرکز علم و صنعت و جهان آنروز گردیده بود. صنایع معماری ، کاشی سازی ، منسوجات حجاری و دهها نوع صنایع دیگر تأسیس گردیده بود. و در زمان امپراطوری غوری ها صنعت دستی به اوج وعظمت خود رسید و یکی از آثار صنایع دستی در افغانستان منار جام است نمایانگر صنعت کاشی و نقاشی امپراطوری غوری هاست و هم چنان مسجد جام هرات که توسط غوری ها بنیان گذاری شده است. در اواخر قرن 19 بنا ماشین خانه کابل فابریکه (حربی) اعمار گردیده که بصورت منظم مختلفه میپرداخت از جمله صنایع دستی که در پهلوی صنایع ماشین در این دستگاه فعالیت میکردند میتوان از صنایع نجاری ، اسلحه سازی ، ضرب سکه ، حکاکی ، بوت دوزی ، بافت انواع پارچه باب و دیگر میتوان نام برد.

در اوایل قرن بیستم برعلاوه پیشرفت صنایع ماشین به صنایع دستی نیز توجه جدی مبذول گردید. صنایع دستی مانند گلم بافی ، نجاری ، بوت دوزی ، قالین بافی ، هالبافی ، چرم گری ، گلدوزی ، حکاکی ، معماری ، نقاشی و غیره با تشویق صنعتگران اساس به کار برده شده بود.

مفهوم و مشخصات صنایع دستی در افغانستان

قبل از شروع به بحث اصلی در مورد اهمیت تجارت صنایع دستی در افغانستان لازم است تا به طور مختصر در مورد مفهوم صنایع دستی و مشخصات آن ابراز نظر نمایم تا خواننده گان محترم در این مورد آگاهی حاصل نمایند.

تعریف

صنعت دستی عبارت از آن رشته اقتصاد است که در آن تولید اجناس و خدمات توسط یک نفر فنی و ماهر که مهارت و لیاقت خاص در استعمال وسایل تولید دارد اداره میگردد. عده از علما تعریف ذیل رامکمل تر مینمایند. صنعت دستی عبارت از تشبثات افرادیست که تابع مهارت و کفایت مشخص تصدی در استعمال وسایل تولید و ابزار کار میباشد.

مشخصات عمده صنایع دستی

✓ کامیابی تصدیها در مهارت و لیاقت متصدی نهفته است و هم استفاده درست از وسایل و ابزار کار است.

✓ صنایع در اثر کار مشترک تحت یک سقف اسناد شاگردان به تولید آن مبادرت میورزند ازینرو اختلافات میان شان خیلی ناچیز میباشد. 1.

✓ هریک از تصدیهای صنایع دستی معمولاً یک نوع خاص اجناس و خدمات را چون این تصدیها در یک حد معین و محدود نمی توانند بیشتر تولید کنند لذا باز دیاد تقاضای خود را توافق داده نمیتوانند. اگرچه میان این نوع صنایع رقابت موجود است مگر رقابت انقدر مورد بحث و توجه قرار نمیگیرد زیرا اکثر تصدیهای تولیدی دولتی یک رشته معین صنایع دستی تقریباً دارای تخنیک تولید مشابه بوده و مصارف فی واحد تولید شان عموماً ثابت میباشد.

✓ از نگاه حقوقی این تصدیها اکثراً شکل یک تصدی افرادی را دارا میباشد اما می تواند شکل شرکتهای اشخاص و به صورت استثنائی حتی به شکل شرکتهای سرمایه‌ی رابگیرند.

✓ این تصدیها معمولاً در محل سکونت فامیل و یا بازارهای فروش مستقر میباشد و ازینرو تولیدات شان در همان قبایل دوار شهر و بازار صورت گرفته و به بازار انتقال میابد.

✓ چون تولیدات درین نوع تصدیها معمولاً بصورت عنعنوی صورت میگیرد و ازینرو متصدیان کمتر حاضر میگرددند که تحولات اساسی را در آن ایجاد کنند لذا انکشاف آنها چندان بارز و شدید نیست.

✓ این نوع تصدیها اکثراً بصورت ازاد و مستقل فعالیت میکنند.

سیر تاریخی صنایع دستی

افغانستان در طول تاریخ چند هزار ساله خود تمدن های بزرگ را در آغوش پرورده است این کشور باستانی به اوضاع خاص جغرافیایی خود در سیر زمان مرکز تمدن های عظیم بشری بوده و افغانستان محل تقاطع تمدن های بزرگ در طول تاریخ بوده بناً موجودیت های راه های بزرگ تجارتي باستانی که از شرق به غرب و از شمال به جنوب امتداد داشت علت پیوند تمدن های بزرگی جهانی در اعصار و قرون مختلفه با این مملکت بوده است 2 راه ابریشم یکی از این راه های تاریخی است که امپراطوری های بزرگ روم و چین را با هم وصل مینمود. و کاروان های بزرگ تجارتي به امتداد این راه رفت و آمد داشتند هر گاه به اوراق تاریخ نظر انداخته شود که امپراطوری بزرگی چین فارس ها، یونانی ها، ترکها،

1 کتاب سیاست های انکشاف حرفوی و صنایع دستی. اثر پروفسور دکتور فرتیس

2 در همین کتاب ص سوم ترجمه دکتور محمد انور

3 کتاب سیاست های انکشاف اثر پروفسور دکتور فرتیس فوکت

2 مجله آریانا شماره سوم سال 1346 ص 69، گالینه پوکا چینگرا

اعراب ، مغلها و بلاخره انگلیس یکی بعدی دیگری با این سرزمین حجم آورده و برای مدت کوتاهی بر آن فرمان روای کردند و به نشر تمدن های شان پرداختند که از اختلاط این تمدن ها جدید به میان آمد و در بعضی مواقع این تمدن های جدید چنان بزرگ و مشعشع گردید که تمدن های دیگران را تحت شعاع خود قرار داده است .

بعد از آمدن سکندر کبیر (320-327 ق م) در این سرزمین تمدن جدیدی (گریکو باختر) بوجود آمد که تمدن بزرگی در عصر خود بود در این دوره صنایع انکشاف زیادی کرده نموده بود از آثار که در اثر کشفیات باستان شناسان از (ای خانم یا مهتاب خانم) و بعضی نقاط دیگری کشور بدست آمده معلوم میگردد که صنایع مخصوصاً صنعت ضرب سکه و مجسمه سازی کمال خود رسیده بود در عصر کاوش های در بعضی نقاط افغانستان مندیگک، دره کور ، بگرام ، سرخ کوتل ، هده، منارجام و غیره جا ها صورت گرفته آثار تاریخی زیادی مجسمه های بزرگی بود . در بامیان و مجسمه ها و ستوپه ها که از هده و سرخ کوتل بدست آمده همه شاید علت این امپراطوری بوده ترقی و شکوفای صنایع دستی را در آن اوقات در این مرزوبوم نمایان میسازد در دوره کوشانی ها صنایع نفیسه در تمام شقوق خود به ترقیات شایان نایل آمدند در سرزمین تحت تصرف شهرهای بزرگی اعمار گردید در این شهرها ثروت های بزرگی جمع آوری شد ، صنعت حرفه و تجارت فوق العاده ترقی کرد و در بین این شهرها ممالک قریب آن ارتباطات جنوبی قایم گردید. در این عصر صنایع مجسمه سازی نقاشی ، حکاکی ، کندن کاری ، وسایل سازی و یا سکه سازی به اوج ترقی رسید چنانچه بعضی مجسمه های کوچک عاج و کندن کاری های بالای عاج صورت گرفته فعلاً به موزیم کابل موجود است. بعد از سقوط امپراطوری در قرن هفتم میلادی سرزمین افغانستان به دست اعراب افتاد با ورود اعراب در کشور تمدن جدید و اسلامی جای تمدن های قدیم را گرفت و در پرتو مفکوره های اسلامی امپراطوری ها بزرگ و شکوهمند چون طاهریان ، صفاریان ، سامانیان ، غزنویان ، غوری ها و تیموریان عرض اندام نمود و یک بار دیگر از عظمت های گذشته این سرزمین را احیا نموده اند . و به صنایع توجه خاص مبذول نموده اند ناگفته نماند که در شروع حملات اعراب با این کشور بعضی از نکات مملکت ما از حیث صنایع خیلی غنی بوده اشیا و اجناس مختلف تولید میشد که حتی به نقاط دور دست نیز صادر میشد .

در عهد غزنویان که سلطنت شان از اواخر قرن دهم تا اواخر قرن دوازدهم میلادی دوام صنایع دستی به بلند ترین مدارج پیشرفت و انکشاف خود رسیده بود خصوصاً در عهد امپراطوری سلطان محمود غزنوی به افغانستان مرکز علم و صنعت در جهان آن روز گردیده بود صنایع معماری کاشی و منسوجات، زرگری ، حجاری و ده ها نوع صنایع به اوج ترقی رسیده بودند.

غزنه و شهر های بزرگ دیگر آن وقت خراسان از نگاه زیبای و داشتن تعمیرات مجلل شهر افاق گردیده بود آثار که از اهل غزنویان باقی مانده یاد و اینکه کشف گردیده شاهد مدعای ما شده میتواند .²

در عصر غزنویان نیز توجه خاص به علم و صنعت صورت گرفت صنعت اسلحه سازی غوری ها شهرت به سزای کسب نموده بود خصوصاً شمشیرها و خنجرها آبدار برنده فوق العاده مشهور بود. منارجام که در قلب افغانستان با همه بزرگی آن پا برجا ست نمایان گرسنایع معماری . کاشی کاری و نقاشی غوری ها به شمار میرود . همچنان مسجد جامع هرات نیز توسط غوری ها اساس گذاشته شد

¹ از همان اثر

² از همان اثر

وبعدا رواق های این مسجد ذریعه تیموریان هرات ترمیم و تغییر شکل یافت و حمله تباه کن چنگیز در این بلادنه از مساجد بزرگ و قصرها خبری بماند و نه از علما و صنعت گران و بلاخره فرمان روای های غوری ها رسید ایرانی های چنگیزیان و تیمور به بار آورده بودند تلقی نمایند ازدیاد مهم و معروف این عصر میتوان مسجد جامع بزرگ هرات، روضه حضرت علی درمزار شریف و مسجد ابو نصر پارسا در بلخ تذکر داد که هریک از این بناها یا عظمت تا امروز پا برجا مانده است. خلاصه در این عصر علما صنعت گران شاعران خیلی قدر و منزلت داشته اند، معماری خطاطی، رسامی، نقاشی، موسیقی، کاشی سازی و سایر صنایع ترقی زیاد نموده دوره تجدد و پیشرفت صنایع و علوم دانسته میشود. خلاصه دوره تیموریان در افغانستان به نام دوره رسانس شرق نموده اند. در زمان حکمرانان صفوی ها و هوتکی ها به صنایع چندان توجه مبذول نگردیده و زمان احیای شاهنشاهی درانی ها یک اندازه به صنایع توجه مبذول گردیده خصوصاً در صنایع تولید اسلحه و مهارت جنگی صنایع معماری.

در قرن 18 امپریالیزم انگلیس مملکت عزیز ما را در محاصره سیاسی و اقتصادی خود کشیده بود و صنایع دستی به نسبت ورود اشیای مشابه از خارج فوق العاده متضرر گردیده و این وضعیت بیشتر در شهرهای بزرگ محسوس میگردد. و صنایع دستی مروجه آن وقت وطن ما عبارت بود از تریه کرم ابریشم و بافت پارچه های ابریشم، بافت قالین نمد و غیره اجناس که از پشم گوسفند و دیگر حیوانات بافته میشود.

در اوخر قرن نهم بنای ماشین خانه کابل (فابریکه حربی) اعمار گردید که بصورت منظم به تولید اشیای مختلف می پرداخت از جمله صنایع دستی که در صنایع ماشینی درین دستگاه فعالیت میکردند میتوان از صنایع تجاری اسلحه سازی، ضرب سکه، حکاکی، بوت دوزی، بافت انواع پارچه جات و ده ها نوع صنعت دیگر را یاد آوری نمود.

در اوایل قرن بیستم بر علاوه پیشرفت صنایع ماشینی به صنایع دستی نیز توجه جدی مبذول گردید. صنایع دستی مثل قالین بافی، گلیم بافی، شال بافی و صنایع نساجی دستی دیگر مثل بافتن پارچه های پنبه، پشمی، ابریشمی، حجاری و نجاری، معماری و غیره به تشویق و ترغیب صنعت گران مسایع به کاربرده شد. چنانچه در قسمت صنایع پارچه بافی عامل تشویق مزید، منع قرار داده شدند پوشیدن البسه از تکه های خارجی در سال های 1305 الی 1306 قرار گرفت که صنایع نساجی دستی انکشاف خوبی نمود فابریکه های نساجی کابل، جبل سراج و دستگاههای انفرادی صنعت گران دستی درمزار شریف قطعن (بغلان و کندرز) بدخشان، هرات، کندهار، جلال آباد، استالاف و هزارجات کسب موفقیت نموده اند. و تولیدات پارچه های 1 و 2 وطنی احتیاج داخل مملکت را رفع و اندازه آن به خارج نیز صادر میگردد در همین عوام صنایع حجاری، معماری، حکاکی و یک عده از صنایع دیگر نیز روبه ترقی نهاد که نمونه های آنرا میتوان در هرات و بناهای پغمان دارالمان و بعضی نقاط دیگر کشور مشاهده نمود اما افسوس اغتشاش سیاه و ارتجاعی 1307 الی 1309 جلوانکشاف و پیشرفت مملکت را گرفت بعد از اغتشاش تا اندازه به یک عده از صنایع دستی توجه گردید و آهسته آهسته دوباره رونق پیدا کرد در این وقت بعضی صنایع نسبت ورود اجناس مشابه از خارج روبه زوال رفت و راه سقوط را اختیار نمودند بعضی از صنایع جدید دیگر به اجابت و شرایط زمان و ضرورت عصر در مملکت

ایجاد وفعال گردید. مانند صنایع دستی تولیدات انواع پیچک های میز وچوکی ها ، الماری های فلزی ، صنعت پنجره سازی و صنایع ترمیمات بعضی ماشین و لوازم مروجه در داخل کشور. صنایع دستی جدید اکثراً شکل ترمیمات را به خود دارد مانند صنایع دستی ترمیم ساعت موتر باسیکل و وسایل برقی وده ها نوع دیگر.

رول صنایع دستی در اقتصاد افغانستان

قسمی که درمبحث تاریخ صنایع دستی در افغانستان مطالعه نمودیم دیدیم که بعد از انقلاب صنعتی در قرن هژدهم در اروپا یک عده ممالک یکی پی دیگر از مزایای انقلاب صنعتی مستفید گردید و به تدریج در شاهراه صنعت گام گذاشتند و امروز از جمله ممالک بزرگی صنعتی جهان محسوب میگردند.¹ اما در اوانی که انقلاب صنعتی در اروپا و آمریکا به پیشرفت ها و انکشافات خود ادامه میداد در مملکت ما امپریالیزم انگلیس ساحه شوم خود را گسترده و همه رابطه کشور ما را با دنیای خارجی قطع نموده بود روی علل فوق دیگر مملکت ما نتوانست که در شهرها صنعت گام دارد و در حقیقت جبراً یک مملکت عقب مانده نگهداشته شد اگرچه امروزیک عده از تصدی های صنعتی در کشور ما مصروف فعالیت میباشد اما هر گاه مقدار به پیمانہ تولیدات تصدی های فوق را با تقاضای عمومی مملکت مقایسه کنیم پی بی اندازه عقب مانده خود خواهیم بود، امروز یک مقدار زیادی احتیاج افراد کشور توسط تولیدات صنایع دستی که اکثر صنایع باستانی کشور ما میباشد رفع میگردد و در حقیقت صنایع دستی یک چرخه بزرگی اقتصادی کشور را تشکیل میدهد اگرچه کدام احصائیه که تعداد اشخاص استخدام شده در صنایع دستی را به ما نشان بدهد تا حال موجود نیست اما با موجود آن هم بعد از یک تفکر عمیق در مورد اینکه به چه تعداد دستگاه های صنایع دستی از قبیل صنایع قالین بافی ، نجاری ، کلالی ، خبازی ، خطاطی ، حجاری نساجی ، زرگری بوت دوزی وده ها نوع صنعت دستی دیگر در سراسر کشور مشغول فعالیت بوده و در هر دستگاه بصورت اوسط چند نفر مشغول کار است و میتوان حدث زد که صد ها یا هزار زن و مرد در صنایع دستی اشتغال داشته با این راه خود و فامیل های شان اعاشه میکردند این جاست که به اهمیت بزرگ و جهانی که صنایع دستی در اقتصاد مملکت دارد پی برده و رول آن را اقتصادی کشور حدس زد و تخمین نمود، ناگفته نباید گذاشت که صنایع دستی علاوه اینکه تا اندازه زیادی از ورود اشیای خارجی و خروج اسعار از مملکت جلوگیری میکند یک مدرک قوی بدست آوردن اسعار برای کشور مانیز محسوب میگردد بطور مثال صرف از مدرک فروش و صدور قالین و پوستینچه سالانه میلیون ها دالر نصیب کشور گردیده و توسط این اقتصاد مملکت ما قوی میگردد و عواید از مدرک فروش تجارت خارجی ما را تشکیل میداد و نظریه تشریحات فوق به این نتیجه میرسیم که صنایع دستی بعد از زراعت در اقتصاد رول عمده و بارزی را دارا میباشد زیرا بر علاوه یک مقدار زیاد احتیاجات کشور ما را رفع میسازد یک تعداد زیادی افراد کشور در آنها به کار مشغول بوده یک قسمت عایدات ملی از این طریق بدست میآید . و به همین ترتیب منبع مهم اسعار را برای مملکت تشکیل میدهد . از این رو رول صنایع دستی در اقتصاد مملکت بارز و قاطع بوده و برای کشور ما اهمیت حیاتی دارد .

¹ پویان صنایع دستی در افغانستان

انواع صنایع دستی در افغانستان

چون معلومات دقیق درین مورد وجود ندارد اما به صدها نوع صنایع دستی امروز در کشور تولید و یک تعداد محدود آن غرض فروش به کشورهای جهان صادر میگردد که از جمله تمام صنایع دستی 13 قلم آن مورد پسند اکثریت مردم جهان و افغانستان میباشد و رقم تقریباً درست را در عاید ملی شامل است که حال به ذکر آنها میپردازیم .

1. قالین
2. صنایع ابریشم
3. صنعت نجاری و ساختن اشیاء چوبی
4. نمد
5. سطرنجی
6. گلیم بافی
7. پوست قره قل
8. تجارت
9. صنعت قالین

صنایع ابریشم :

صنعت ابریشم در کشور عزیز ما افغانستان سابقه طولانی دارد اگر به تاریخچه گذشته کلتوری دیده میشود که صنعت ابریشم سهم ارزنده را در صنایع و تجارت صنایع دستی در افغانستان دارا است. و این خصوصیات را میتوان از راه ابریشم جستجو کرد که در آن زمان هند و چین را با هم وصل کرده بود و به مملکت عزیز ما نیز نسبت این که در مسیر راه تجارت واقع بود از این راه گذر به دور نمانده و سبب ترویج و تشویق صنعت ابریشم گردید.

اگر به سیر تکامل صنعت ابریشم و پيله وری در افغانستان معطوف گردد در مرحله نخست هرات جلب توجه مینماید چه هرات از نکته نظر پيله وری و صنعت نساجی ابریشم برای شهرت زیاد که از نظر کمیت کیفیت جالب است میباشد چنانچه دست مال ابریشمی هراتی و قالین ابریشمی که موسوم به قالین موری است از شهرت زیاد برخوردار است به خصوص قالین موری که از جمله گرانبها ترین قالین ها میباشد و از شهرت جهانی برخوردار میباشد و از جمله مناطق صنعت ابریشم در آنجا وجود دارد کابل است. و در کابل لنگی های ابریشمی بافته میشود.

نمد :

یکی از قدیم ترین صنایع دستی کشور ما بوده و بهترین نوع آن در مناطق مرکزی کشور بعضی بعضی نقاط هرات ، مرغآب با نقش های مرغوب ساخته شده یک تعداد آن برای رفع ضرورت فامیل ها بکار رفته قسمت زیاد آن به بازار عرضه میگردد.

صادرات نمد به بازار های خارج بسیار کم بوده و بازار یابی آن هم مطالعه نشده است . و از طرف دیگر یک علت دیگری در عدم بازار نمد در خارج این است که پشم های افغانی بصورت عموم دارای

بوی بوده و از جانب دیگر پوست و پشم مواد خام به دیگر کشورها صادر میشود. بدون اینکه در کشورها از پروسه تولید صنایع کار گرفته شود. 1

سپرنجی

از جمله صنایع دستی در کشور محسوب میگردد که در بعضی حصص افغانستان صنعت رواج داشته و زیاد تر در منطقه جب السراج این صنعت بیشتر است. چون سپرنجی از تار بافته میشود بناً دارای مقاومت نبوده یعنی مقاومت آن مانند قالین و گیلیم کم است. از این نگاه اهمیت تجارتي کمتر داشته و صادرات آن به پیمانها محدود است نسبت به قالین و گیلیم.

گیلیم بافی

گیلیم هم یکی از منسوجات صنایع دستی کشور ما بوده در زمانه های خیلی زیاد قدیم رواج داشته حتی این صنعت قبل از قالین نیز یافته شده و عموماً از پشم گوسفند بافته میشود و صنعت کاران این شغل در دیزاین و استفاده از رنگهای مختلف ذوق و سلیقه خاص بکار میبرد. 2

گیلیم های ساخت سمت شمال و هزاره جات بسیار مشهور بوده خریداران زیاد داخلی و خارجی دارد گیلیم های افغانی چندین نوع بوده مانند (گیلیم رنگ پخته ، گیلیم رنگ هزاره گی ، گیلیم قاقمه) که یک تعداد زیاد آن به خارج صادر میشود.

صادرات گیلیم در ممالک عربی به خصوص عربستان سعودی در این اواخر زیاد بوده و عمده ترین بازار های فروش گیلیم های افغانی عبارت از نیویارک ، لندن ، هامبورک ، بازار های آسیائی ، افریقائی و آسترلیا تشکیل میدهد در اوایل صادرات گیلیم افغانی توسط تجار هندی و پاکستانی به اروپا صادر میشد ولی در اثر تقاضا روز افزون تعداد عرضه کننده گان اضافه شده و تجارهای افغانی تونستند خودشان محصولات خود را به کشور های خارج صادر نمایند و از آن استقبال خوب شدند.

پوست قره قل :

پوست قره قل از جمله صادرات صنایع افغانستان به خارج است پوست قره قل افغانی شهرت جهانی را در تقاضا کننده گان در خارج از افغانستان به آن وجود دارد. تاجران افغانی پوست قره قل را به کشورهای غربی برده و آنرا به همان جا به فروش میرساند و به حیث ورود اسعار خارجی در داخل کشور میگردد.

پوست های قره قل به جزء از ترکمنستان و افریقای جنوبی دیگر مناطق تولید نمی گردد. پوست قره قل به رنگ های ابلق ، شتری ، سیاه ، زرد ، شکری و غیره رنگها عرضه میگردد که نمایش گاه های بین المللی برای نمایش گذاشته میشود و از آن برای ساختن قره قل ، بالا پوش ، دسکول و انواع و اقسام البسه کار میگیرند.

¹ مجله ریاست اتحادیه صادرکننده گان قالین افغانی سال 1381 ص 5

² نشریه وزارت معادن و صنایع سال 1370 ص 18.7.6

صنعت نجاری

این صنعت در تمام نقاط کشور مروج است و تحت عنوان این صنعت، صنایع متعدد شامل میگردد مثلاً ساختن لوازم تعمیراتی از قبیل دروازه، کلکین، الماری و غیره صنعت مبیل و فرنیچر سازی نیز در این اواخر در مملکت ما خصوصاً کابل و بعضی شهرهای دیگرما ترقی زیاد نموده است. در این صنعت اقسام مبیل و فرنیچر مانند تخت خواب، میزهای آرایش، کوچ و چوکی، میزهای تحریر، الماریهای لباس، کود بند، میزهای کامپیوتر و سایر اجناس چوبی در این اواخر ترقی و پیشرفت قابل ملاحظه نموده است.

تاریخچه تجارت قالین :

در مورد تاریخچه تجارت قالین تذکر میدانیم که قبل از جنگ جهانی بنا از عدم انکشاف روابط تجارتی عاید افغانستان از مدرک فروش قالین نا چیز بوده اما بعد از جنگ دوم جهانی بود که افغانستان توانست ارتباط مستقیم تجارتی را با ممالک خارجی بر قرار نماید. و با این قسم قانون های افغانی مستقیماً در مارکیت های بین المللی تقاضا کننده عرضه گردید.

به طور مختصر میتوان گفت که تجارت قالین بعد از ختم جنگ جهانی دوم در حلقه محدودی در کشور های خارج یعنی شهر های مشهد و کراچی باقی نمانده بلکه تجارت قالین که یکی از صنایع عمده دستی در کشور ما می باشد و صدور آن به جهان خارج تا اندازه سرو سامان گرفت در سال 1951 تجارت قالین افغانی برای اولین بار به صورت مستقیم از طرف تجار افغانی و مارکیت های اروپا یعنی آلمان غرب در انگلستان راه یافت و تا چند سال قبل نیز تجارت این امتعه با ارزش تقریباً در همین سکتور های فوق الذکر محصور بود. چون صدور قالین افغانی مطابق به پرنسیب های منظم صورت نمیگرفت مشککش در زمینه موجود بود. آگاهی از تقاضا مارکیت های این کشورها سابقه و خواست مشتریان این مارکیت ها از عدم اطلاع داشتن از وضع رقابت یا قالین های صادراتی کشور های متحصل قالین و غیره دامنگیر تجار افغانی بود. و علاوه بر آن یک مقدار از قالین ها دارای جنسیت خراب و دارای دیزاین و سائز ناقص استفاده از رنگهای خام و دارای سر کچی در بازار های خارج صادر میگردد. ضمناً خرید و فروش قالین های افغانی با وصف جنسیت عالی و ارزش فوق العاده طور که لازم بود نه تنها علاقه مشتریان این مارکیت ها را به خود جلب نموده بلکه همان مقدار کم قالین افغانی در اثر دست بازی های دلالتان خارجی بنام هالون های کشور های دیگر بفروش میرسید ولی با وصف این مصایب و نواقص تجارت قالین قلم داشت صادرات کشور ما را تشکیل میدهد.

تجارت صنعت قالین

صنعت قالین در جهان از قدیم الایام موجود بوده و تکامل آن به تحول زنده گی مردمان مالدار و کوچی ها از آسیا مرکزی 3000 سال قبل از میلاد با نقش آن آشنا بودند در اثر کشفیات که از طرف باستان شناسان ایران صورت گرفت چند پارچه قالین در عصرهخامنشی های ایرانی در حصص جنوب و جنوب غربی سایبریا از میان برف ها و یخ ها پیدا گردیده است که از عمر این قالین در حدود 2500 الی 2600 سال میگردد.

صنعت قالین بافی و تجارت آن قدامت چند هزار ساله در کشور ما دارد و این صنعت از جمله مشهور ترین صنایع افغانستان است که در صفحات شمال و غرب مملکت مهمترین مناطق تولیدی این صنعت

یعنی قالین بافی بوده است. و قالین های قشنگ را به اشکال و انواع مختلف و دیزاین های مختلف توسط قالین بافان چهره دست این مناطق ذکر شده عده زیاد شان را زنان و دختران تشکیل میدهد. تولید میگردد قالین های افغانی انواع و اقسام مختلف دارد و بیشتر انواع قالین را نظر به مناطق قریه های که در آنها تولید میگردد نام گذاری میکند. انواع مهم قالین های افغانی عبارت اند از :قالین مورد قزلیاق ،قرقین ، دو تار گل ، ادرسکن ، ساورقی ، چوب باف ، قلعه زال ، اندخوی، واس برکلی ، قالین گل پلیت دار ، دولت آبادی و غیره مواد خام که برای بافتن قالین مهم است پشم گوسفند است و برای این که جنسیت قالین بالا باشد ضروری است تا پشم های که برای قالین بافی بکار برده میشود متجانس باشد تا قالین سر گچی و چملمکی پیدا نکند فعلا پشم را که در ساختن یک قالین باید استعمال کرد همه آن پشم های تیر ماهی باشد .

هم چنان رنگ های قالین نیز در جنسیت و در زیبا بودن قالین بسیار رول ارزنده دارد. زیرا قالین های که دارای رنگ پخته باشد بیشتر مورد توجه مشتریان قرار میگیرد. نسبت به قالین های که رنگ خام و رنگ آمیزی قالین های شان از رنگ های طبیعی که از نباتات بیشتر به دست می آید استفاده کنند این نوع رنگ فوق العاده قشنگ و پخته بوده و خراب نمی گردد و قالین های افغانی به اکثر نقاط جهان تقاضا کننده دارد به خصوص در چندین مملکت عمده که عبارت اند از :کانادا ، انگلستان ، ایالات متحده امریکا ، آلمان ، فرانسه ، استرالیا ، هالند ، دنمارک ، ناروی ، سویدن ، فنلند ، ایتالیا ، بلجیم ، سوئیس ، اتحاد شوروی ، و غیره کشور ها است که این کشور ها بیشتر قالین مورد و قالینچه موری را تقاضا میکنند . در بین سال های 1962 و 1968 ارزش قالین های شرقی در ممالک وارد کننده به 102 افزایش نموده بود برعکس قالین های افغان سهم آن در سال 1963 شش فیصد پایین آمده بود و قالین های افغان برای نخست در سال 1901 توسط تجار افغانی به مارکیت های آلمان ، غرب انگلستان عرضه و فعلا بازار های عمده قالین افغانی را کشور آلمان غرب ، انگلستان و امریکا تشکیل میدهد.

فصل دوم

اهمیت اقتصادی تجارت صنایع دستی

الف :- بالای بیلانس تادیات و انکشاف اقتصادی :

بیلانس تادیات را میتوان یک جدول احصایوی شناخت که در آن تمام معاملات که بین واحد های اقتصادی داخلی و واحد های خارجی در یک دوره معین معمولا یک سال صورت میگیرد درج می گردد بیلانس تادیات بایست در حال تعادل باشد یعنی سمت دبت و کردیت آن مساوی باشد .

بیلانس تجارت جز عمده از بیلانس تادیات است که صادرات و واردات را نشان میدهد. بهترین طریقه یک کشور اسعار خارجی را بدست آورده می تواند از طریق صادرات میباشد و صادرات اقلام مختلفه شامل است و از آن جمله صنایع دستی نیز شامل آن میباشد . در کشور عزیز ما افغانستان یک قسمت صادرات وطن مارا صادرات صنایع مختلف دستی تشکیل میدهد . و از این مدرک مبلغ زیاد اسعاری وارد کشور گردیده است . چنانچه مفصلا تذکر رفته است و این اسعار

حاصله در انکشاف اقتصادی خود سکتور صنایع دستی و هم در دیگر 1 سکتور ها نقش عمده را ایفا می نماید . بعضی آن عده اشخاص که در سکتور صنایع دستی اشتغال و فعالیت دارند عواید شان اضافه شده و تقاضا را برای سایر سکتور ها خلق میکند البته عاید که از مدرک صادرات صنایع دستی وارد کشور میشود در بیلانس تجارت کشور تاثیر مثبت را وارد نماید و باعث مساعد شدن بیلانس تجارت میگردد (البته صادرات سایر اقلام) بالای بیلانس تجارت تاثیر دارد . پس به این نتیجه می رسیم که با ازدیاد اسعار به پیمانانه زیاد وارد کشور می گردد. که بالای بیلانس تادیات کشور ما تاثیر وارد میکند. یعنی در اثر ازدیاد صادرات عاید ملی کشور زیاد شده تقاضا مجموعی و تولید بلند می رود . این جریان منجر به سرمایه گذاری های مزید گردیده و منتج به ازدیاد عاید ملی می گردد .

مثلا صادرات یک تصدی یا یک رشته اقتصادی صعود نماید در نتیجه عاید کارگران تصدی یا رشته اقتصادی زیاد شده میتواند با استفاده از این عواید امتعه زیاد مصرفی را تقاضا به امتعه مصرفی اضافه می گردد و در اثر آن تولیدات امتعه مصرفی بلند می رود این دسته تصدی ها برای ازدیاد تولیدات مصرفی بلند می رود این دسته تصدی ها برای ازدیاد تولیدات امتعه مصرفی ماشین آلات بیشتر تقاضا میکند و در نتیجه تولیدات امتعه سرمایوی نیز بلند می رود پس گفته میتوانیم که یک سرمایه گذاری مستقل و ولی باعث سرمایه گذاری های تحریکی شده و سه انجام باعث افزایش عاید ملی می گردد. پس صادرات در انکشاف اقتصادی یک کشور تاثیر مستقیم دارد با تغییر صادرات انکشاف اقتصادی یک کشور نیز تغییر می کند .

بالای استخدام:

در کشور ما افغانستان قوه کار کن موجود بوده و درسکتور های مختلف اقتصادی فعالیت دارند که یک سکتور آن را سکتور صنایع دستی تشکیل میدهد. که تعداد زیاد قوه کار در این سکتور ر فعالیت مینمایند . در سکتور صنایع دستی تعداد زیاد قوه کار بر استخدام میشود و علت آن ناشی از این امر است که خود این سکتور یک سکتور کاربر است و سرمایه به تناسب آن کمتر به کار میرود . اگرچه احصایه های موثق و درست در دست نیست که به چه مقدار قوه کار در صنایع دستی مصرف فعالیت و تولید اند اما زمانی که انواع عمده اقلام صنایع دستی را ملاحظه نمایم دیده می شود که تعداد زیاد مردم در این سکتور استخدام گردیده اند و از عاید آن تامین معیشیت مینمایند اما قرار احصایه های شخصی در حدود بیشتر از دو صد هزار نفر در سکتور صنایع دستی مصرف فعالیت اند . البته با نسبت در نظر داشت که تجارت صنایع دستی بالای استخدام قوی کار رول مهم و اساسی اداره است و سطح استخدام در خود این سکتور و هم در کشور بلند می برد این پلان مفهوم است . وقتی که صنایع دستی به خارج صادر میشود و از طرف تقاضا کننده گان خریداری میشود . مولدین صنایع دستی را تشویق میکند که تولیدات شان را افزایش دهند برای این منظور متصدی مجبور است که قوه کار بیشتر استخدام نماید تا سطح تولید خویش را به منظور صادرات بلند ببرد . پس دیده شد که در اثر تجارت تقاضا به قوه کار زیاد گردیده و در کشور سطح استخدام را بلند برد که در نتیجه یک تعداد قوه بشری مصرف فعالیت تولیدی گردیدند که از یک طرف قوه خرید را پیدا کردند و از جانب دیگر تولیدات را بلند بردند .

¹ ماخذ- معلومات نویسنده

چون استخدام نیروی کار به حیث عاید توزیع به شمار می رود بناً دولت جمهوری افغانستان سهیم است که از بی کاری های که ناشی از مناسبات غیر عادلانه گذشته به وجود آمده جلوگیری کند. و تلاش هر چه بیشتر به خرج میدهد که قوای بیشتری را در سکتور های مختلفه مانند صنعت ، زراعت و خدمات جذب کند.

فصل سوم

عوامل عدم انکشاف صنایع دستی در افغانستان\

1 :- وضع نمودن تعرفه برای صنایع نو تأسیس:

وضع نمودن تعرفه بلند بالای صنایع نو تأسیس عبارت از دلیل تشویق و انکشاف صنایع ویا حمایه از صنایع نوزاد است. ازنگاه تیوری میتوان گفت که بعضی صنایع در بعضی ممالک رو به انکشاف در مقابل صنایع پیش رفته ممالک پیش رفته قدرت رقابتی نداشته و تا زمان که به مرحله پخته گی خود برسند باید حمایه شوند.

طوریکه میدانیم انکشاف در صنعت کدام عمل عاجل و فوری نیست بلکه گذشت مدت زمان ضرورت دارد با به مرحله پخته گی میرسند.

علت دیگر در عدم انکشاف صنایع این است که قلت عوامل تولید وجود دارد و شرایط درست برای انکشاف صنایع وجود ندارد.

علت دیگر وضع نمودن تعرفه های گمرکی بلند است.

2 :- نبودن سرمایه لازم:

یکی از عوامل که کشور ما افغانستان نتوانسته است در سکتور صنعت پیشرفت و انکشاف نماید نداشتن سرمایه لازم است تا آن وقت که سرمایه کافی در یک اقتصاد موجود نباشد نمی توان به انکشاف صنعت نائل شد میزان سرمایه معمولاً برحسب پول بیان میشود. و در این جا فرق بین سرمایه جنسی و پولی باید قایل شد.

سرمایه جنسی قسمت از سرمایه است که دلالت بر ملکیت کند مثلاً موجودیت امتعه ماشین آلات ابزار و غیره.

در حال سرمایه پولی سرمایه است که به صورت پول و امانات در بانک طوریکه میدانم اساس به وجود آوردن سرمایه پس اندازاست. پس انداز زمان صورت گرفته میتواند که عاید افراد نسبت به مصارف شان بلند باشد. اما متأسفانه اکثریت مردم افغانستان به حد اقل معیشت زندگی میکند که قادر نیستند قسمت از عاید خویش را پس انداز و بعداً سرمایه گذاری نماید ولی یک طبقه محدود هستند که قدرت پس انداز را از عاید حاصله شان دارا میباشند. این طبقه شامل زمین داران بزرگ تاجران که صادرات و واردات شان از خارج به داخل و از داخل به خارج را انجام میدهند. اما این ها پس انداز های شان را در راه های غیر تولید به کار میبرند مثلاً که آنرا زمین میخرند و یا این که آنرا نزد خود نگهداری میکند.

عوامل فوق با عث میگردد تا تراکم سرمایه در مملکت به وجود نیامده و به حالت ساکن و غیر تولیدی باقی مانده که با عث به وجود آمدن یک مانع برای انکشاف و صنایع در مملکت میگردد.

عدم موجودیت مدیریت غیر سالم:

موجودیت منجمت و اداره سالم یکی از ضروریات مبرم در هر کشور بوده و شخص در سطح رهبری آن لازم است تا اداره تنظیم و مراقبت و یکی از عوامل که صنعت در کشور عزیز ما افغانستان پیش رفت نمی کند و به رکود مواجه میشوند این است که کمبود کار فرمایان برای تحصیلات عالی و مسلکی و تخصص است بخاطر که بدون در نظر گرفتن فروش وضع مالی و اجرائیه وی طرز تفکر جدید روش های علمی در تولید موقعیت خود پروژه دور از امکان نخواهد بود اگر یک پروژه با سرمایه انگفت به اثر نداشتن سازمان و مدیریت درست به ضرر های بزرگ رو به رو خواهد گردید. علت این که مدیریت بصورت درست در افغانستان وجود ندارد قرار ذیل است در افغانستان مانند سایر ممالک رو به انکشاف اکثراً اداره چیان صنایع آشنائی کامل به وظیفه محوله شان ندارند.

نداشتن تجربه کافی یکی از جمله عوامل دیگر است که در عدم موفقیت مدیریت اداره چیان تصدی های صنعتی رول دارد همچنان فاقد استعداد ، رهبری و رهنمائی کارگران تصدی های صنعتی است و اشخاص که در رأس تصدی های صنعتی انتخاب میگردند باید به طرز و اداره کار آشنائی خوب داشته باشند.

علت دیگر عبارت از نبودن تعداد کثیر اداره چیان صنعتی است زیرا در کشور ها هر جوان چه در جریان تحصیل و بعد از ختم تحصیل آرزو مند هستند تا در یکی از دوایر رسمی دولت که به رشته تحصیل بر مسلک شان مطابقت داشته باشد استخدام شود به خاطر که در ارگان های دولتی تقرر شان شکل قانونی و رسمی را دارد . اما در شرکت های خصوصی صلاحیت بدست تمویل کننده است و به آیند اعتبار نمی بخشد.

4 :- عدم موجودیت کارگران ماهر و فنی:

اگر به تاریخ انکشاف صنعتی ممالک مختلف جهان نظر اندازی شود دیده میشود که صنعت در ممالک خوبتر پیش رفته و پیمانان تولیدات زیاد شده است علت آن این است تا کارگران ماهر و ورزیده در دستگاه های مطابق فن شان است استخدام میگردند. مثلاً اگر دو جنس مشابه تولید دست دو کارگر باشد که یکی البته کارگر ماهر و دیگر اگر غیر علمی و مسلکی نیست دانسته میشود که انکشاف اقتصادی و دستگاه صنعتی و تولیدی بیشتر از همه به کدام یکی از این دو دسته ارتباط پیدا میکند. تاریخ نشان میدهد که در قرن (13و16) که در اروپا یک انکشاف صنعتی روی کار آمد بیشتر از همه دستگاه های تولید زود تر انکشاف کرد که رشد آن به سبب کارگران مسلکی و متخصص را استخدام کرده بود نظر به دستگاه های که افراد شان بی سواد بودند.

5 :- توريد امتعه مشابه خارجی:

طوریکه میدانیم بعضی تولیدات صنعتی افغانستان نمیتواند به امتعه مشابه خارجی رقابت نماید اگر چه این موسسات صنعتی ما به این نکته اهمیت خاص قائل شده اند که اموال را به بازار عرضه مینماید از نگاه جنسیت و مرغوبیت دارای کیفیت عالی بوده تا بتواند در مقابل تولیدات امتعه صنعتی مشابه که از خارج مملکت وارد میگردد رقابت کند طوریکه دیده می شود موسسات صنعتی ما از یک طرف تمام ماشین آلات و یک قسمت زیاد مواد خام و نیمه کاره را که مورد ضرورت شان است از خارج وارد میکنند که در نتیجه این عمل در هنگام عملیه تولید سبب بلند رفتن قیمت تمام شد امتعه تولید شده در داخل نسبت به امتعه مشابه خارجی میکند که در این صورت تولیدات مذکور نمیتواند از نقطه نظر قیمت با امتعه که از خارج وارد نماید میگردد رقابت نمایند از جانب دیگر تولیدات خارجی به مراتب

بهرتر و خوبتر از تولیدات داخلی میباشد زیرا مملکت ما جدیداً پا به سوی صنعتی شدند گذاشته است در حالیکه ممالک پیشرفته صنعتی در این زمینه تجارت و اندوخته های فراوان دارد که در این دو اصل تولیدات خارجی از نگاه کمیت و کیفیت خوبتر و بهتر از تولیدات داخلی است بنا بر این مهم ترین و مؤثر ترین طریق حمایه صنایع داخلی و تقویه آن این است که از یک طرف توريد امتعه مشابه خارجی محدود گردد و بالای آن قويدات گمرکی و تعرفه های سنگین وضع شود تا موسسات و سکتور های صنعتی صنایع به خاطر جمع و بدون تشویق از ظرفیت اعظمی دستگاه ها استفاده نماید و اجناس تولیدی خود را به قیمت مناسب عرضه مینمایند.

فصل چهارم

حمایه صنایع و راه انکشاف آن

اهداف حمایوی و انکشافی:

هدف از اخذ محصولات گمرکی درین قسمت صرف بدست آوردن عاید نیست زیرا هدف عمده درین جا حمایه از تولید کننده گان صنایع توسط وضع یک فیصدی سنگین منسوجات نخی پشمی خارجی میتوان یک عملیه حمایوی را برای تولیدات نساجی داخلی انجام داد و بخاطر این که از سکتور های صنعتی و مؤسسات صنعتی به منظور که تأسیس شده اند استفاده صورت گیرد و در انکشاف شان موانع و مشکلات رونما نگردد و هم یک تعداد دیگر مردم که علاقه مندی به سرمایگذاری داشته باشند به تأسیس موسسات جدید تشویق شده باشند نخست باید دوایر مربوط و محصول گمرکی اموال و مواد مورد ضرورت موسسات از یک طرف در محصول گمرکی اموال خارجی که رقیب اموال داخلی میباشد بصورت کلی تجدید نظر نماید تا مؤسسات از یک طرف در محصول گمرکی اموال خارجی که رقیب آن اموال داخلی میباشد.

مؤسسات داخلی با تادیه محصول گمرکی نسبتاً مناسب و قابل قبول قیمت های تمام شد خود را پائین آورده بتواند ویا بلند رفتن محصول گمرکی اجناس خارجی امکانات رقابت با آنها میسر گردد و بدون مشکلات زیاد اجناس داخلی کافی را به بازار عرضه نموده بتواند.

به خاطر که در تعرفه گمرکی موجوده نکات وجود دارد که نتنها سبب تشویق سرمایگذاری میگردد بلکه آنرا در امر سرمایگذاری دلسرد ساخته و مجبور شان میسازد که بازهم پول خود را در راه تجارت اموال خارجی به دوران اندازند و صرف نظر از سرمایگذاری میکنند.

چون دولتهای سابق نمیخواستند که یک تعداد اشخاص بیچاره که یک مشتم پول را در امر سرمایگذاری تعبیر نموده و از آن حاصل مفاد نمایند.

اساسات اصلاح و انکشاف صنایع :

طوری که میدانیم هدف از سیاست های صنعت در اقتصاد ملی عبارت از اقدامات و تدابیر است که صاحبان قدرت به خاطر انکشاف آن اخذ مینمایند. در ممالک رو به انکشاف منجمله افغانستان با در نظر داشت شرایط اقتصادی شان هدف از سیاست صنعتی عبارت از بهتر ساختن سطح زندگی مردم بوده است که این هدف میتواند به اثر بلند رفتن مؤلدیت کار و استخدام میسر شود.

در قدم اول ارگان های اقتصادی یک مملکت اندازه رشد و انکشاف صنعتی شدن را تثبیت میکند بناً برای این که یک جامعه از نظر صنعت به پای خود استاده شود ایجاب میکند تا آنهاى که مصروف امور

پلانگذاری در پروژه های صنعتی میباشد ارزش یک پروژه های صنعتی میباشد ارزش یک پروژه از نگاه تأثیرات آن به اقتصاد ملی مورد غور و بررسی قرار بدهد.

امروز نمیتوان بدون تقویه سکتور صنعت و اتکا نمودن به تجارت و زراعت استقلال یک مملکت را حاصل نموده روی این اصل از سکتور صنعت در پهلوی دیگر سکتور های اقتصادی در امر رشد و انکشاف مملکت چه از نگاه اقتصادی و چه از نگاه سیاسی و اجتماعی و چه از نگاه نظامی سهم ارزنده و رول خیلی مهم دارد.

پس برای هدف سیاست صنعتی نکات اتی را باید مورد توجه و بررسی قرار دهیم.

➤ رجحان قایل شدن برای حمایه صنایع:

ازاینکه کدام صنایع و به حمایه آن اولتر رجحان قایل شویم از نظر سیاست صنعتی اهمیت زیادی دارد اینکه کدام صنایع امکانات انکشافی را دارا بوده و به آن ترجیح میدهد میتوان درزمینه مطالعات ذیل را انجام داد:

✓ برای اینکه بدانیم که برای اقتصاد ملی کدام امکانات تأسیس صنایع نتایج بهتر خواهد داد. باید صنایع بصورت عنعنوی وجود داشته و مزیت منطقی در انکشاف آینده چطور بوده باشد.

✓ از روی مطالعه پلان های انکشافی طویل المدت و متوسط المدت صنایع را که قابلیت انکشاف را داشته میتوان شناخت پلان های انکشافی شاید چانس های مساعد برای اشیاء که تاکنون در بازار ها قابل فروش نبوده اند پیدا نماید بدین اساس باید برای شناخت صنایع قابل تأسیس مطالعه شود که پلان های انکشافی و نتایج آن بازار را چگونه تغیر میدهد.

✓ در اثر مطالعه واردات میتوان فهمید که کدام صنایع امکانات انکشافی را دارا بوده و قابل حمایه میباشد. چنانچه یک مملکت همان اجناس را در تجارت بین المللی زیادتیر وارد میکند که افراد مملکت مذکور به آن احتیاج زیادتیر داشته باشد و یا بازار داخلی قدرت جذب آن را میداشته باشد.

✓ در بعضی ممالک موسسات بین المللی طوریکه معمول است لیست های صنایع و شرایط مساعد بودن و محیط انکشاف ان را در دوره های معین نشر میکند استفاده از این لیست ها از یک طرف شاید مفکوره های جدید به اشخاص که خواهان تأسیس صنایع باشد بدهد و از جانب دیگر انها را متیقن میسازد که نقاط لازم را به خرج داده کدام امکانات مساعد را فراموش نکرده است.

✓ در اکثر پروژه های صنعتی تعویض واردات و ورود مواد خام از خارج حتمی تلقی میگردد و در بعضی حالات باید از تأسیس رشته صنعت مذکور صرف نشر گردد اگر مواد خام از داخل تهیه شده بتواند و یا اگر ارزانتر وارد شود پس تأسیس صنایع مذکور قابل طرف داری است.

✓ باید گفت که برای یک جنس تنها موجودیت مواد خام کافی نبوده بلکه موجودیت کارگر های ماهر و فنی و اداره چیان مسلکی و دارای تحصیلات عالی در رشته مذکور هم حتمی است برای انکشاف صنایع استفاده از مهارت های عنعنوی مردم اقدام خیلی ها مفید تلقی میشود.

➤ وارسی از امور صنعتی :

بررسی و کنترول امور سکتور صنعتی کشور علاوه از این که فن سیستم انکشاف اقتصادی مطلوب است صرفه جوئی اسعار و کم ساختن مصارف و تطبیق پرنسیب های معقول اقتصادی ایجاب فعالیت های عمومی را نیز مینماید از این که فهمیده شده بتواند که مؤسسات صنعتی از معاونیت ها و کمک هاو تسهیلات که در انکشاف صنایع از طرف دولت فراهم شده است تا چه اندازه در راه های

حقیقی از آن استفاده به عمل آمده باید از طرف وزارت معادن و صنایع وقتاً فوقتاً کنترل و بررسی نمود.

➤ فراهم آوری شرایط صنعتی:

به منظور این که صنایع موجوده کشور به درستی انکشاف کرده بتواند و سکتورهای اقتصادی کشور منجر به رشد و انکشاف بیشتر شود. دولت بعضی اقدامات در پیش گرفته و زمینه فراهم آوری تسهیلات را در مورد مساعد نماید.

مثلاً در ساحه فابریکات صنعتی و سکتور صنعت که تا هنوز ذهنیت و اجرات متشبسین به سکتور کشور به وضاحت شده نمیتواند توجه بیشتر دولت را در این زمینه حتمی و ضروری است و این گونه تسهیلات و تشویقات باید معین شده باشد تا متصدیان با در نظر داشت آنها در تأسیس و به کارانداختن دستگاه صنعتی در مملکت اقدام ورزند.

➤ تشکیلات امور صنعتی:

در سکتور های صنعتی از همه اولتر به اساس چنان تشکیلات اداره پیش برده میشود که کوچکترین رخنه در آن وارد نگردد و از هر نوع اشیاء که در آینده موجب خساره و سقوط باشد و جلوگیری نماید تشکیلات صحیح و جامع و هم یک اداره دارای صلاحیت قدرت کافی در غرض ارتباط و هماهنگی نزدیک و قوی بین رشته های مختلف صنعتی و همکذا برای جلو گیری از پراگندگی هدف دیگر سیاست صنعتی ساختن و انکشاف کشور تشکیل میدهد.

➤ تولید صنعتی :

دفتر سرمایه گذاری سکتور خصوصی وزارت معادن و صنایع به تعداد 1615 پروژه سرمایه پی را در چهار سال گذشته ثبت نموده که از جمله 1305 آن فعال گردیده است تقریباً فابریکات خصوصی بزرگ در حال حاضر فعالیت ندارد.

اما بعضی تصدی های کوچک و متوسط مانند پروسس مواد غذایی صنایع دستی به شمول چرم گری ، قالین بافی و حجاری ، نجاری ، مبل سازی ، بوت دوزی به فعالیت شان ادامه میدهد.

بازار های فروش فعلی صنایع دستی که بیشترین دکان ها و مغازه ها و فروشگاه های صنایع از قبیل دسکول ، کمر بند ، قالینچه ، پوستین و دهها قلم دیگر صنایع دستی که در آنجا به فروش میرسد شهر نو بود اجناس و اشیاء که شامل صنایع دستی میشود بیشتر مورد پسند خارجیان قرار میگیرد از کابل خریداری کرده و ممالک خارج انتقال می دهد. و بازار های خارجی این صنایع شامل امریکا ، انگلستان ، آلمان ، فرانسه و غیره کشور ها است.

پشنهادات

با تحریر این رساله پشنهادات خویش را طور مختصر ذیلا ارایه میدارم.

1. دادن قروض وکریدت به مولدین صنایع دستی توسط بانک صنعتی افغانستان بیش از پیش وبطور مفید توسعه داده شود .
2. برای انعهده اشخاصیکه در سکتور صنایع دستی فعالیت می نمایند می بایست آموزش علمی وفنی شوند .
3. اشتراک درنمایشگاه بین المللی که باعث ایجاد تقاضا صنایع دستی افغانستان میگردد اقدامات لازم صورت گیرد .
4. از بکار بردن هرنوع مواد که به جنسیت کیفیت و شهرت صنایع دستی لطمه وارد نماید جدا جلوگیری صورت گیرد .
5. چون یک قسمت صادرات کشور ما را صنایع دستی تشکیل میدهد باید در انکشاف تشویق وحمایه ان از طرف مقامات ذیصلاح توجه مبذول گردد .
6. مولدین صنایع دستی باید درساختن صنایع مربوط شان از ظرافت و مهارت وابتکارکار گیرند .
7. در تشکیل وایجاد کوپراتیف ها بمنظور انکشاف هر چه بیشتر صنایع دستی در کشور در کشور اقدام نماید .
8. اشتها در تجارت وبازاریابی چنین رول بسا مهمی را دارا بوده کوشش شود تا از طریق نشرات رادیو،جراید،تلویزیون وغیره مطلوب به مارکیت های داخلی و خارجی معرفی گردد .

نتیجه گیری

با وجود که حرفه های که سهم قلیلی در تولید اجتماعی دولت ها دارد اما باز هم از نگاه سیاست های اقتصادی دارای اهمیت خاص می باشد . زیرا این سکتور ها از روی سهم شان در تولید اجتماعی اندازه نشده بلکه در این سکتور یک حصه نفوس که در غیر آن خارج سیستم اقتصادی باقی میماند جذب و مصروف فعالیت می گردند .

صنایع دستی دایما به حیث مراکز تربیه افراد فنی بوده است و اکثر متخصصین در فنون روز های مختلفه مدت در صنایع دستی مصروف کار بوده و از آغاز تربیه گردیده اند در یک جامعه صنعتی مخصوصا تربیه اشخاص فنی در فعالیت های دستی از این جهت مهم است که هدف تربیه و آشنا ساختن شاگردان به افزار و وسایل کار بوده و بعد از شناساندن به افزار و وسایل کار آنها میتواند یک حرفه و صنعت دستی را خود شان تاسیس نماید .

صنایع دستی در کشور ما سابقه بسیار طولانی داشته و یک تعداد زیاد هموطنان ما به این صنایع اشتغال داشته و یک مقدار زیاد احتیاج افراد کشور توسط همین تولیدات صنایع دستی که اکثرا صنایع باستانی کشور ما میباشد . و ضع میگردد ناگفته نماند که صنایع دستی علاوه از این که تا اندازه زیادی از ورود اشیا ی خارجی و خروج اسعار از مملکت جلوگیری می کند یک مدرک قوی بدست

آوردن اسعار خارجی برای کشور ما محسوب می گردد و بعد از زراعت صنایع دستی در کشور رول عمده و بارز را دارا میباشد .

مثلا : صنعت قالین بافی در افغانستان و در جهان شهرت جهانی دارد که سالانه یک اندازه اسعار خارجی از درک صادرات و تجارت قالین داخل کشور می شود که باعث تقویه وضع تجارت و اقتصاد می شود .

خلاصه این که صنایع دستی و به خصوص صنعت قالین بافی یک صنعت ملی کشور ما بوده اما متاسفانه که در اثر جنگ های چندین ساله به صنایع دستی از جمله صنعت قالین بافی نیز خسارات زیاد وارد گردیده که باعث خراب شدن وضع تجارت صنایع دستی افغانستان شده تا در سابق از شهرت خاص بر خوردار بود . امید است دولت ریاست جمهوری افغانستان و دولت های آینده افغانستان برای بهبود تجارت صنایع دستی و بهبود وضع صنایع دستی توجه صورت گیرد تا از یک طرف عاید ملی مملکت بلند برده شود . وضع زندگی صنعت کاران بهتر شود و زمینه خوب تر فعالیت برای صنعت کاران مساعد گردد .

تشکر